

## تابودی خاطرات با هدف گیری کتابخانه‌ها و آرشیوها در بوسنی و هرزگوین<sup>۱</sup>

نوشته آندرش ردالمایر<sup>۲</sup>

ترجمه سعید دامادی<sup>۳</sup>

**چکیده:** صربها طی لشکرکشی خود به بوسنی و هرزگوین سعی در نابودی میراث فرهنگی آنها داشتند. اولین حمله در اوت ۱۹۹۲ بایبیران کتابخانه ملی و کتابخانه دانشگاه سارایوو آغاز شد. پس از نابودی این کتابخانه، سایر کتابخانه‌ها و مساجد و آثار فرهنگی دیگر مورد حمله صربها و گاه کروانها قرار گرفت. مقاله حاضر به چگونگی این حمله‌ها و چگونگی از بین رفتن هزاران عنوان کتاب و هزاران عنوان نسخه خطی و برنامه‌ریزی لازم برای حفظ و نگهداری سایر میراث فرهنگی می‌پردازد.

در اوت ۱۹۹۲، جهان و سارایوو شاهد یکی از بزرگترین وقایع کتابسوزی در جهان بودند. هدف، کتابخانه ملی و کتابخانه دانشگاه سارایوو بود. عمارتی که این کتابخانه در آن قرار داشت در دهه ۱۸۹۰ در کنار رودخانه میلیاچکا در مرکز شهر سارایوو ساخته شده و به طرز زیبایی به سبک اسلامی بازسازی گردیده بود. قبل از آتش سوزی، کتابخانه ۱۵۰۰۰۰ نسخه کتاب داشت که بیش از ۱۵۵۰۰۰ نسخه آن شامل کتابهای کمیاب و نسخه‌های خطی می‌شد. این کتابخانه ضمناً آرشیو ملی بوسنی، مجموعه‌ای غنی و منحصر به فرد از روزنامه‌ها و نشریات و کتابهای

1. Andras Riejlmayr, «Killing Memory: The Targeting of Libraries and Archives in Bosnia-Herzegovina», in: *Newsletter of the Middle East Librarians Association*, 1994, no. 61.

۲. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

منتشر شده در طی قرون متمادی را به انضمام مجموعه دانشگاه سارایوو در برداشت. در طی سه روز جهنمی از ۲۵ تا ۲۷ اوت ۱۹۹۲، داخل کتابخانه با خاک یکسان شده و با بمباران صربها از آن سوی رودخانه، قسمت اعظم مجموعه آن به طرز غیر قابل جبرانی به خاکستر تبدیل شد. یک شاهد عینی صحنه را چنین توصیف می‌کند:

چهار شبه شب، پس از آنکه پایتخت محاصره شده بوسی زبر بمباران شدید نیروهای صرب فرار گرفت، ساختمان کتابخانه آتش گرفت و به طرز غیر قابل کنترلی شعله ور شد. هر چند آتش نشانان موفق شدند در خلال شب چندین بار با آب کم فشار، آتش را موقتاً مهار کنند، اما ساختمان کتابخانه خصوصاً در قسمتهای شمالی و مرکزی که تا نیمه‌های بامداد زیر حملات صربها قرار داشت تاب نیاورد و بالاخره ساختمان چهار طبقه کتابخانه در کام آتش فرو رفت. پنجره‌ها بر اثر انفجار خرد شده و به داخل خیابانهای باریک اطراف می‌ریخت، دیوار سنگی شمالی بر اثر حرارت شدید در حال ترک خوردن و فرو ریختن بود... حریق که بعد از ساعت ۱۰ شب آغاز شده بود، علی‌رغم کوشش آتش نشانان، در روز پنج شنبه جان می‌گرفت و زیاد می‌شد. ستونهای با شکوه سالن مطالعه اصلی کتابخانه که به سبک اسلامی ساخته شده بود بر اثر حرارت متفجر گشته و سقف تالار فرو ریخت. در عملیات کمک رسانی پنج آتش نشان که تنها محافظ آنها کلاههای حفاظتی شان بود، در حالی که پلکان زیر پایشان خراب شده بود به سختی از مرگ گریختند. بنا به گفته سرپرست آتش نشانان، کتعمان اسلیچ،<sup>۱</sup> پرتاب مداوم نارنجکها برای مدت چند ساعت، کار آنها را بسیار مشکل کرده بود و با اینکه آنها در تمام طول شب با آتش مبارزه کرده بودند، کمبود فشار آب مانع مهمتی برایشان محسوب می‌شد.

گزارش کورت شورک<sup>۲</sup> خبرنگار آژانس رویتر از کتابخانه (چهارشنبه ۲۶ اوت ۱۹۹۲) چنین

است:

زیر آتش شدید بمباران، کتابداران و شهروندان داوطلب به صف شده بودند تا کتابها را از ساختمان حریق‌زده بیرون آورده و در کامیونهای که در بیرون از ساختمان ردیف شده بود قرار دهند. یکی از این افراد در مصاحبه با خبرنگار ABC گفت: ما فقط توانستیم تعداد کمی از کتابهای ارزشمند را نجات دهیم. بقیه سوختند و میراث ما، میراث ملی مان تبدیل به خاکستر شد. خانم آیدا بوتوروویچ<sup>۳</sup>، کتابدار بخش مبادله

بین‌المللی کتابخانه، از جمله قربانیانی بود که در حین تلاش برای نجات کتابها از حریق به ضرب گلولهٔ یک تیر انداز صرب از پای در آمد. تایش از یک هفته بعد از این حادثه، بارانی از تگه کاغذهای نيمسور و ذرات پوست سوخته (متعلق به نسخه‌های خطی) بر شهر محاصره شده می‌بارید. یک دانشجوی بوسنیایی که در زمان حادثه در سارایوو بوده، صحنه را چنین توصیف می‌کند: "این صحنه ریزش زود رس برگهای پاییزی را در نظر انسان مجسم می‌کرد البته با حالتی بسیار غم‌انگیزتر."

سه ماه قبل از این واقعه، هدف تفنگداران صرب مؤسسهٔ مطالعات شرقی سارایوو<sup>۱</sup> بود، جایی که مأمین بزرگترین مجموعهٔ متون دستنوشتهٔ اسلامی و یهودی و مدارک عصر عثمانی در تمام نواحی جنوب شرقی اروپا بود. این مؤسسه و تمام محتویاتش در شعله‌های آتش گلوله باران نارنجکهای فسفوری صربها در ۱۷ ماه مه ۱۹۹۲ سوخت. زبانهای وارده مشتمل بود بر ۵۲۶۳ جلد نسخهٔ خطی عربی، فارسی، عبری و عجمیسی<sup>۲</sup> (نوشته‌های بوسنیایی اسلاویک به خط عربی) که تاریخ نگارش آنها به قرون وسطی برمی‌گشت، یک آرشیو مشتمل بر ۷۰۰۰ مدرک از دورهٔ عثمانی، منابع عمده‌ای از پنج قرن تاریخ بوسنی، مجموعه‌ای از اسناد مالکیت اراضی بوسنی در قرن آخر حکومت عثمانیان در آنجا (اسناد مالکیت مالکان اولیهٔ بوسنی)، و ۲۰۰/۰۰۰ مدرک دیگر از دورهٔ عثمانی که قسمت زیادی از آنها نسخه‌های میکرو فیلم از مدارک اصلی متعلق به مجموعه‌های خصوصی افراد بوده یا به صورت مبادله از مؤسسات خارجی تهیه شده بودند. مجموعه کتابهای چاپی به همراه برگه‌دانه‌ها و تمام کارهای در دست اجرای این مؤسسه که جامعترین کتابخانه تخصصی منطقه در نوع خود بود، نابود گردید.

خوشبختانه کتابخانه ۲۰۰۰۰۰ جلدی موزهٔ ملی بوسنی<sup>۳</sup> که در سال ۱۸۸۸ در سارایوو تأسیس گردیده بود، زیر بمباران و آتش تیربار صربها در تابستان ۱۹۹۲ با موفقیت تخلیه شد. در میان کتابهای نجات یافته از موزه یکی از بزرگترین گنجینه‌های فرهنگی بوسنی به نام هاگادا<sup>۴</sup> کتاب تورات و اوراد موسویهای سارایوو، وجود دارد که متعلق به قرن ۱۴ است، این اثر کار خوشنویسان و تذهیب‌کاران یهودی در اسپانیای تحت سلطه اسلام بود و ۵۰۰ سال قبل توسط یهودیانی که از دست بازرسان اسپانیایی می‌گریختند به سارایوو آورده شد. در روزهای تاریک جنگ جهانی دوم این اثر توسط یکی از متصدیان علاقه‌مند موزه مذکور، از دید نازیها مخفی نگه داشته شد و حالا بار دیگر هاگادا در مکانی سری مخفی گردیده و انتظار عزیمت (یا

1. Sarajevo's Oriental Institute

2. Adzamijski

3. Zemaljski muzej Bosne i Hercegovine

4. Sarajevo Haggadah

شکست) نابود کنندگان خود را می‌کشد. ولی به هر جهت، موزهٔ ملی به‌طور اسفناکی مورد اصابت قرار گرفته است. گلوله‌ها به نورگیرهای سقف و تمامی ۳۰۰ پنجرهٔ موزه برخورد کرده و نیز به دیوارهای بسیاری از گالریهای آن آسیب رسانده‌اند. قسمتهایی از مجموعهٔ موزه، که انتقال آنها به انبارهای امن میسر نشد، در ساختمان باقی ماند و در معرض حملات توپخانه و ویرانی قرار گرفت. دکتر رضا سیاریج<sup>۱</sup>، مدیر موزه، در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲ در حین تلاش برای تهیهٔ ورقه‌های پلاستیکی از نیروهای نجات سازمان ملل برای پوشاندن سوراخهای ساختمان، با انفجار یک نارنجک به قتل رسید.

در اواسط آوریل ۱۹۹۳، نیروی صرب بمباران منظمی را بر فراز شهر تاریخی موستار<sup>۲</sup> مرکز ناحیه جنوب غربی کشور هرزگوین آغاز کردند. ساختمان آرشیه‌های هرزگوین از جمله هدفهای صربها بود. این مکان جایگاه نسخه‌های خطی و اسناد مربوط به گذشتهٔ این ناحیه تا قرون وسطی بود و متحمل خسارهای شدیدی گردید. زمانی که کتابخانهٔ اسقف عظمی رومن کاتولیک موستار با گلوله‌های توپخانه صربها از ارتفاعات مشرف به شهر بمباران شد، بیش از ۵۰۰۰ نسخه کتاب نابود گردید. با برخورد گلوله‌های توپ به بام پنجره‌های موزهٔ هرزگوین، دهها هزار کتاب و سند طعمهٔ حریق شدند. همچنین در نقاط مختلف این شهر قدیمی، تعداد زیادی از سایر کتابخانه‌ها و آرشیه‌ها مورد اصابت این گلوله‌ها قرار گرفتند.

با آنکه نیروهای صرب که موستار را محاصره کرده بودند در تابستان ۱۹۹۲ مجبور به ترک مواضع توپخانه‌ای خود شدند، ملی‌گرایان افراطی کروات با حمایت نیروهای نژادگرایی صرب جسارت پیدا کرده و آتش خود را بر روی مرکز تاریخی این شهر در آوریل ۱۹۹۳ گشودند. این بمباران وحشیانه تا ۹ ماه بعد ادامه داشت و بیش از ۸۰ درصد ساختمانها را در محلهٔ قدیمی متعلق به عهد عثمانی در موستار، به مخروبه می‌بدل نموده و ساکنان آن را وادار به زندگی پرمشقتی در سلولهای آلوده به موش و فاقد امنیت، بدون دسترسی به غذا، آب و حمایت پزشکی نمود. بیشتر آثار باستانی و مؤسسه‌های این شهر که به جامعهٔ اسلامی تعلق داشته و قدمت آنها به ۵۰۰ سال می‌رسید، پس از نجات از محاصرهٔ صربها، قربان این حملهٔ ثانوی با هدف "پاکسازی فرهنگی" گردیدند.

پس از اعلام یک آتش بس در اوایل این سال، بازماندگان از سلولهایشان بیرون آمده و در خرابه‌های شهر به جستجو پرداختند. مسجد حاجی محمد بیک قره‌گوز<sup>۳</sup> که در سال ۹۶۵ ه. ق. بنا گردیده هدف مشخصی بود که به سختی آسیب دید. تمامی ۴۹ مسجد دیگر این شهر نیز

مورد اصابت قرار گرفتند. اما ساکنان شهر خوشحال بودند که حداقل یکی از گنجینه‌های فرهنگی موستار، یک قرآن خطی تذهیب کار شده با طلا مربوط به قرن ۱۴ در بغداد که بخشی از اولین هدایای مسجد قره‌گوز بیک بوده، در این حمله سالم مانده است. این قرآن در ساختمان کوچکی نزدیک به مناره<sup>۱</sup> تخریب شده مسجد پنهان مانده بود.

یکی از ملی‌گرایان نظامی کروات در مصاحبه‌ای که در تابستان ۱۹۹۳ با یک خبرنگار انگلیسی انجام داد، علت تلاش خود برای تخریب پل عثمانی را که نام این شهر از آن گرفته شده چنین توضیح داد: پاکسازی موستار از مسلمانان کافی نیست بلکه باید یادگارهای آنها نیز نابود گردد. افراطیون ملی گرا ظرف سه سال گذشته، این طرز فکر را به‌طور منظمی در مورد سایر یادگارهای گذشته چند فرهنگی یوسنی اعمال نموده‌اند. کتابخانه‌ها، آرشیبوها، موزه‌ها و مؤسسات فرهنگی در سراسر یوسنی برای نابودی هدف‌گیری شده‌اند و این تلاشی بوده است برای پاکسازی هر گونه مدرکی اعم از کتابها، اسناد، و آثار هنری که بتواند نسلهای آینده را بر این امر که زمانی مردمی با نژاد و مذهب متفاوتی در یوسنی با آنها میراث مشترکی داشته‌اند آگاه نماید. این تجویز کنندگان "پاکسازی نژادی" صرفاً به قتل و ارباب راضی نشده بلکه می‌خواهند تمامی یادگارهای گذشته را نیز از میان بردارند.

در شهرها و روستاهای سراسر یوسنی اشغالی، مدارک قومی (از جمله اسناد مالکیت اراضی، اسناد وقفی و محلی) بیش از ۸۰۰ مسلمان و کروات کاتولیک اهل یوسنی توسط نیروهای ملی‌گرای صرب به عنوان بخشی از عملیات پاکسازی نژادی، به آتش کشیده شد. در حالیکه انهدام مؤسسات و اسناد یک جامعه در وهله اول بخشی از یک ترفند ارباب‌آمیز برای بیرون راندن افراد مورد نظر از آن جامعه است، در عین حال این کار در راستای یک هدف دراز مدت نیز می‌باشد. این اسناد، مدارک مکتوبی بودند دال بر اینکه زمانی غیر صربها در آن مکان نشو و نما کرده، مالکیت داشته و دارای ریشه‌های تاریخی در آنجا بوده‌اند. افراطیون ملی‌گرا که فعلاً شهرها را به تصرف در آورده‌اند، با سوزاندن اسناد، متهدم کردن مساجد و کلیساهای کاتولیک و یولدوزر انداختن در گورستانها سعی می‌کنند خود را در برابر هر گونه ادعای مردم رانده شده و خلع ید گردیده، در آینده بیمه نمایند.

ولی یوسنیایی‌های دیگری نیز وجود دارند که مصمم باقی مانده تا آرمان تاریخی جامعه بردبار چند فرهنگی کشورشان را حفظ نمایند.

خدیجه دمیرویچ<sup>۱</sup>، کتابداری که در عملیات نجات کتابها و دستنوشته‌ها شرکت داشت،

نظر خود را این طور بیان می‌کند:

تابودی کتابخانه را می‌توان تجاوزی به فرهنگ مردم سارایوو به حساب آورد تلاشی برای محروم نمودن ما از تاریخمان به گونه‌ای که ما ناگهان تبدیل به مردمی بدون گذشته شویم. مطلب مهم آن است که خصوصاً در شرایط حاضر نباید ما را به چشم مسلمانان ملی گرا بنگرند.

در این لحظه گلوله تیربار صربها به خیابان پشت دفتر کار این خانم پرتاب شد و به اداره مرکزی کتابخانه عمومی شهر اصابت کرد، جایی که هشت شعبه آن توسط صربها تخریب شده بود. این خانم در دنباله صحبت خود می‌گوید:

کتابخانه موزه سالم مانده است. ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم تا نشان دهیم که یوسنی صرفاً یک سرزمین متعلق به مسلمانان نیست بلکه سرزمینی است برای چهار گروه از مردم، یعنی مسلمانان، کرواتها، صربها و یهودیان<sup>۱</sup>.

کارمندان نجات یافته کتابخانه ملی شامل صربها، کرواتها، یهودیان و مسلمانان هنوز در سارایوو مشغول کار هستند. حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد از مجموعه کتابخانه ملی سالم مانده بود که از آن جمله نوارهایی بودند شامل رکوردهای کامپیوتری بخشی از کتابها و مدارک حریق زده. کتابداران کتابخانه ملی فعلاً مشغول کارهایی هستند از قبیل انبارگردانی، تقبل اقدامات حفاظتی ممکن در شرایط کنونی، آگاهی مداوم از عنوانهای جدید منتشر شده در سارایوو از آغاز جنگ تا کنون، سعی بر هماهنگ نمودن تلاشها به منظور بازسازی مجموعه کتابخانه و برنامه ریزی برای بازسازی این مؤسسه بعد از جنگ. الکساندر ویدو ساوولیویچ<sup>۲</sup>، یک مهندس صرب و افسر سابق ارتش ملی یوگوسلاوی، یکی از اعضای گروهی است که برای بازسازی پایگاه اطلاعاتی نابود شده کتابخانه تلاش می‌کند. او می‌گوید:

والدیتش در صربستان هنوز توانسته‌اند بفهمند که چرا او ارتش را ترک کرده و در سارایوو مانده است. این شخص اظهار می‌کند که بیشتر مایل است در ساختن چیزی سهمی باشد تا خراب کردن آن.

و می‌گوید:

آموخته های من به من اجازه پیوستن به جنسی را که به خودکشی، کشتن و

۱. نقل از گزارش کوین میرز در نشریه The Irish Times، ۱۴ اوت ۱۹۹۳.

تابودی می‌انجامد نمی‌دهند<sup>۱</sup>.

کتابداران و گروه تحقیق موسسه مطالعات شرقی سارایوو، علی‌رغم تابودی کامل مجموعه این مؤسسه تصمیم گرفته‌اند به کارشان ادامه دهند. آنها در اقداماتگاههای موقت با برپایی سمینارها و سمپوزیومها به تبادل نتایج تحقیقات و برنامه ریزی برای آینده مؤسسه‌شان پرداخته‌اند و با صدور تقاضانامه‌ای از همکارانشان در سراسر جهان تقاضای حمایت معنوی و مادی کرده‌اند.

با این‌همه، پاسخهای رسیده توسط بنگاههای بین‌المللی و مؤسسات سازمانهای حرفه‌ای زیاد دلگرم کننده نبوده است. یونسکو مانند سازمان ملل که زیاد حرف می‌زند و کم عمل می‌کند، حمایتش را از طرح بازسازی کتابخانه ملی اعلام کرده، ولی عملاً کمک چشمگیری در این زمینه نکرده است.

مجمع شهروندان هلسینکی<sup>۲</sup>، یک گروه حقوق بشر مستقل در پراگ، پیام درخواستی مبنی بر اعلام همبستگی با کتابخانه ملی بوسنی صادر کرده و در حال برنامه‌ریزی برای تأسیس پایگاهی در اروپا برای دریافت مجموعه مدارک و مواد اهدایی است. نشانی این مکان به شرح زیر است:

Helsinki Citizens Assembly, General Secretariat,

Milady Horakove 108, 16000 praha 6, Czech Republic

اقدام مشابهی در فرانسه در جریان است که انجمن بازسازی کتابخانه ملی سارایوو<sup>۳</sup> آن را رهبری می‌کند. این انجمن هم‌کمکهای مالی و هم‌کتابهای اهدایی را جمع می‌کند و نشانی آن عبارت است از:

A.R.B.N.S., 23 - 25 rue des Petites Ecuries, 75010 Paris, France,

tel. 33 - 14 - 801 - 0580; Fax: 33 - 14 - 253 - 5803.

کتابخانه ملی ترکیه شناسایی مواد مرتبط با بوسنی را در مجموعه خود به عهده گرفته است و هدفش از این کار تهیه نسخه‌های میکروفرم برای اهدا به کتابخانه ملی بوسنی پس از بازسازی آن است. این کتابخانه از دیگر کتابخانه‌های ملی و دانشگاهی دنیا تقاضا کرده تا در انجام این امر به آن ملحق شوند. برای کسب اطلاع در مورد این طرح با نشانی زیر مکاتبه کنید:

۱. نقل از گزارش بیل شیلر در نشریه Toronto Star ۱۵ مه ۱۹۹۳.

2. Helsinki Citizens Assembly

3. Association Pour La Renaissance de la Bibliotheque Nationale a Sarajevo

The Director, Milli Kutuphane, 06490 Ankara, Turkey

در ماه ژوئن ۱۹۹۴ سفیر ایران در بوسنی قول داد دولت متبوعش حمایت‌های مالی کافی برای بازسازی مؤسسه مطالعات شرقی سارایوو به عمل آورد. گروهی از دانشگاهیان انگلیسی، یک بنیاد خصوصی کوچک به نام نجات میراث بوسنی - هرزگوین<sup>۱</sup> تأسیس کرده‌اند. کار این بنیاد پاسخگویی به تقاضاهای کمک فوری مؤسسات فرهنگی مورد تهدید در بوسنی است. آنها در خواست‌های پول و مواد کتابخانه‌ای کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر با نشانی زیر مکاتبه نمایید:  
Dr.Marian Wenzel, 9 Canterbury Mansions, Lymington Road, London NW6 2EW UK;  
44 tel. - 71 - 433 - 1142.

پاسخ رسمی انجمن کتابداران آمریکا که بعد از مذاکرات فراوان در گردهمایی اواسط زمستان ۱۹۹۳ در دنور رسید، بیانیه‌ای محتاطانه بود که مضمون آن بدین شرح است:  
عدم دستیابی مردم یوگوسلاوی سابق به اطلاعات موجب تأسف است، لکن علی‌الحقیق به نظر می‌رسد آنچه همکاران بوسنیایی ما از آن رنج می‌برده‌اند بیشتر وقفه موقتی در شبکه اینترنت<sup>۲</sup> بوده تا نبود برنامه‌ریزی شده و منظم میراث ملیشان! بیانیه شماره ۳۷#CD با وجود اعتراضات شفاهی برخی از اعضای این انجمن، تأیید شد. این اعضا از قطعنامه‌های قبلی انجمن مذکور نیز دل خوشی نداشته و آنها را بیش از حد "سیاسی" می‌دانستند.

برای آرام کردن اعتراض کنندگان تصمیم گرفته شد متن بیانیه فقط برای مراجع رسمی (از جمله کاخ سفید و سازمان ملل متحد) ارسال شود و در معرض افکار عمومی قرار نگیرد و حتی در انتشارات خود انجمن نیز به چاپ نرسد (حقیقت امر این است که فقط در گوشه‌ای از گزارش گردهمایی دنور در نشریه کتابخانه‌های آمریکا<sup>۳</sup> به تاریخ مارس ۱۹۹۳، به بیانیه مذکور اشاره شد) و تا آنجا که من اطلاع دارم هیچ اقدامی در مورد آن صورت نگرفته است.

مذاکره دنور، متعکس کننده یک سر درگمی بیجا در مورد واژه‌هاست. سوزاندن کتابخانه‌ها و آرشیبوها یک عمل سیاسی نیست و نمی‌توان آن را به‌عنوان ادعای قانونی و مشروع یکی از طرفین یک کشمکش دو جانبه به حساب آورد، کشمکشی که در آن فرض بر این باشد که حقیقت در مکاتبه بیابین قرار دارد. این کتابسوزی در سراسر جهان به‌عنوان جنایتی بر علیه انسانیت و تخطی از قواعد و توافق‌نامه‌های بین‌المللی بوده که مصداق آن عبارت است از:

1. Bosnia - Herzegovina Heritage Rescue

2. INTERNET

3. American Libraries



مشهور آتن در سال ۱۹۳۱، توافق نامهٔ ۱۹۵۴ لاهه دربارهٔ حفاظت میراث فرهنگی در هنگام درگیریهای نظامی، منشور و نیز در سال ۱۹۶۴ و تفاهم‌نامه‌های ۱ و ۱۱ ضمیمه شده به توافق نامه‌های ۱۹۴۹ ژنو که همهٔ آنها مورد تأیید حکومت یوگوسلاوی سابق بوده و باید قانوناً مورد تأیید حکومت‌های جانشین آن نیز باشد.

بدین ترتیب سخن گفتن بر علیه سوزاندن کتابخانه‌ها و نابودی برنامه ریزی شده میراث فرهنگی یک ملت نمی‌تواند به مفهوم موضع‌گیری در یک نزاع سیاسی باشد. این کار دفاع از حداقل رعایت معیارهای بین‌المللی است. ما به‌عنوان صنف کتابدار نه تنها حق داریم بلکه وظیفه نیز داریم که چنین اعمال وحشیانه‌ای را محکوم کرده و با قربانیان این جنایت که نهایتاً همکاران ما نیز هستند، اعلام همیاری و همبستگی نماییم.

همکاران ما در بوسنی با اینکه سوئمن زمستان را تحت محاصره گذرانده و آینده نامعلومی پیش رو دارند، هنوز هم مصمم به بازسازی کتابخانه ملیشان هستند. این کتابداران کارهای شاقی پیش رو دارند که از آن جمله می‌توان جمع‌آوری دوباره و نظم دادن به مجموعه‌های ملی را ذکر نمود. این مجموعه‌ها تا حد زیادی از اسناد کپی شده بر روی دیسک، میکروفورمها و نسخه‌های تکراری کتابهای اصلی از بین رفته، تشکیل خواهند شد. به نظر دکتر انس قیونجیچ<sup>۱</sup>، رئیس کتابخانه ملی بوسنی، این فرصتی است تا او بتواند مؤسسه‌اش را به شکل جدیدی بازسازی کند و از امکانات پیشنهادی از طریق تکنولوژی جدید حداکثر استفاده را بنماید. طرح کتابخانه ملی دیجیتال<sup>۲</sup> که اخیراً توسط کتابخانه کنگره آمریکا مطرح شده، یکی از موازیدی است که تکنولوژی می‌تواند به ساختن کتابخانه سارایوو در آینده کمک کند. دکتر قیونجیچ، در اکتبر ۱۹۹۴ بازدید از کتابخانه‌های ایالات متحده انجام داد. هدف او از این سفر کسب راهنماییهای فنی و دریافت کمک بود تا یقین حاصل کند که تلاشهای کنونی به تشکیل کتابخانه ملی جدید خواهد انجامید، کتابخانه‌ای که در خدمت مردم بوسنی - هرزگوین خواهد بود و میراث فرهنگی آنها را در قرن بیست و یکم حفظ خواهد نمود. ■

### ● دربارهٔ نویسندهٔ مقاله:

آندرش ردالمایر در بوداپست مجارستان متولد شده و تحصیلات خود را در آلمان و ایالات متحده انجام داده است. ارتباط آکادمیک او با مسئلهٔ بوسنی از ۲۵ سال پیش، هنگامی که پایان‌نامهٔ خود را در

دانشکده تاریخ دانشگاه شیکاگو درباره بوسی - هرزگوین و گنگره برلین می‌نوشت آغاز شد. ایشان دارای درجات تحصیلی عالی از دانشگاه پرینستون در رشته "مطالعات خاور نزدیک" و فوق لیسانس کتابداری و اطلاع‌رسانی از سایمون کالج هستند.

سالهای زیادی در ایران، ترکیه، و کشورهای حوزه بالکان به تحقیق در مورد نسخه‌های خطی پرداخته و دارای مقالات زیادی در مورد تاریخ عثمانی و صفویه، معماری اسلامی و نسخه‌های خطی در نشریات بین‌المللی است. در حال حاضر ایشان دبیر و خزانه‌دار انجمن کتابداران خاور میانه و عضو هیئت تحریریه *Archivum Ottomaicum* است.

ایشان با کمک تعدادی از کتابداران بوسنیایی و سایر کتابداران علاقه‌مند آمریکایی یکا پروژه بین‌المللی را برای بازیابی و جمع‌آوری میکروفیلم از نسخه‌های خطی و اسنادی که در شعله‌های آتش ناشی از حمله صربها به کتابخانه‌های بوسنی در سارایوو و موستار در سال ۱۹۹۲ از بین رفته‌اند را اداره می‌کند. ضمناً ایشان کتابشناس بخش هنر و معماری اسلامی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه هاروارد بوده و مدت ۱۰ سال است که سرپرستی مرکز استاد برنامه معماری اسلامی آقا خان را نیز بر عهده دارد.



شهره‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی